

ونزوئلا، کشوری شگفت‌انگیز در جنب‌وجوش:

خبرنامه‌سی‌ودوم (۲۰۲۴)

۸ اوت ۲۰۲۴



عکس از فرانسیسکو تریاس

دوستان عزیز

درد از طرف تری‌کن‌تیننتال: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی.

من در دو هفته گذشته، قبل و بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۸ ژوئیه، در کاراکاس ونزوئلا بودم. در آستانه انتخابات دو چیز برایم روشن شد. اول، چاوئیست‌ها (حامیان هوگو چاوس و پروژه بولیواری

که اکنون به دست رئیس جمهور نیکلاس مادورو رهبری می شود) از مزیت عظیم یک پایگاه توده ای سازمان یافته برخوردارند. دوم، اپوزیسیون راست افراطی به رهبری ماریا کورینا ماچادو و دولت ایالات متحده، با علم به این که بختی [برای پیروزی] ندارند، پیش از برگزاری انتخابات حتی با وجود ادعای وقوع تقلب در آن، از شکست خبر می دادند. دست کم از زمان برگزاری همه پرسی سال ۲۰۰۴، زمانی که اپوزیسیون تلاش کرد چاوس را از قدرت برکنار کند، این یک اقدام تکراری راست گرایان شده است که ادعا کنند نظام انتخاباتی ونزوئلا دیگر عادلانه نیست.

۲

درست پس از نیمه شب روز انتخابات ۲۸ ژوئیه (هفتادمین سالگرد تولد چاوس)، شورای ملی انتخابات (ش.م.ا) اعلام کرد با شمارش ۸۰ درصد آرا، روندی برگشتناپذیر تثبیت شده است: مادورو دوباره در انتخابات پیروز شد. این نتایج چند روز بعد توسط ش.م.ا با ۹۶/۸۷ درصد شمارش آرا تأیید شد و نشان داد که مادورو (۵۱/۹۵ درصد) نامزد راست افراطی ادموندو گونسالس (۴۳/۱۸ درصد) را با اختلاف ۱۰۸۲۰۷۴۰ رأی شکست داده است (دیگر نامزدهای مخالف فقط ۶۰۰۹۳۶ رأی کسب کردند. معنای ترکیب آرا این است که حتی اگر آرای سایر نامزدهای مخالف به گونسالس می رسید، او باز هم برنده نمی شد). به عبارت دیگر، مادورو با ۵۹/۹۷ درصد مشارکت رأی دهندگان، کمی بیش از نیمی از آرا را به دست آورد.



عکس از ژوئی الکساندرا

۳

من با یک مشاور عالی رتبه مخالفان که خواست نامش فاش نشود صحبت کردم. او گفت اگرچه با ناامیدی مخالفان همدردی می کند، احساس می کند نتیجه نهایی درست به نظر می رسد. او توضیح داد در سال ۲۰۱۳، در انتخابات ریاست جمهوری که کمی بیش از یک ماه پس از درگذشت چاوس برگزار شد، مادورو با ۵۰/۶۲ درصد به پیروزی رسید، در حالی که انریکه کاپریلس ۴۹/۱۲ درصد از آرا را به دست آورد. این قبل از سقوط قیمت نفت و قبل از تشدید تحریم ها بود. در آن زمان با رفتن چاوس، مخالفان دندان تیز کرده بودند، اما نتوانستند پیروز شوند. او گفت: «شکست دادن چاویست ها سخت است، زیرا

آن‌ها هم برنامه‌چاوس را دارند و هم توانایی بسیج حامیان خود را به پای صندوق‌های رأی.»

این‌طور نیست که راست افراطی وعده‌تغییر نداده باشد. آن‌ها می‌خواهند شرکت ملی نفت را خصوصی کنند، اموال مصادره‌شده را به الیگارشی بازگردانند و سرمایه‌خصوصی را برای بلعیدن ونزوئلا دعوت کنند. مسئله این است که وعده‌آن‌ها برای دگرگونی اجتماعی در تضاد با آمال اکثریت است. به همین دلیل است که راست نمی‌تواند پیروز شود و به همین دلیل است که نوک پیکان اصلی از سال ۲۰۰۴ فریاد تقلب بوده است.

۴



عکس از فرانسیسکو تریاس

و به این ترتیب، در روز انتخابات، درست پس از بسته شدن شعب اخذ رأی و قبل از انتشار نتایج رسمی، ماچادو و واشنگتن، گویی در هماهنگی با یکدیگر، و برپایهٔ تهاجماتی که از ماه‌ها قبل پی‌ریزی کرده بودند، شروع کردند به غر زدن در مورد ثقلب. پیروان ماچادو بلافاصله به خیابان‌ها ریختند و به نمادهای چاوایسم حمله کردند: مدارس و مراکز بهداشتی در مناطق کارگرنشین، ایستگاه‌های اتوبوس و اتوبوس‌های عمومی، دفاتر کمون‌ها و احزاب چاوایست، و مجسمه‌های شخصیت‌هایی که الهام‌بخش انقلاب بولیواری بودند (از جمله تندیس چاوس و همچنین کوروموتو،^۱ رهبر بومیان). پس از انتخابات دست کم دو مبارز حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا، ایزابل سیریلای خیل از ایالت بولیوار و مایائوری کوروموتو سیلوا ویلما از ایالت آراگوا، ترور شدند، دو افسر جزء کشته شدند و شماری از چاوایست‌ها، مأموران انتظامی، و مقامات به طرز وحشیانه‌ای مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به اسارت گرفته شدند.

۵

به دلیل ماهیت حمله مشخص بود که این نیروهای راست افراطی خاصه قصد داشتند تاریخ بومیان و سامبوهای^۲ ونزوئلا و همچنین طبقهٔ کارگر و دهقانان را محو کنند. از زمان انتخابات، هر روز صدها هزار چاوایست به خیابان‌های کاراکاس و جاهای دیگر آمده‌اند. تصاویر به‌کاررفته در این خبرنامه توسط فرانسیسکو تریاس در راهپیمایی زنان مورخ دوم اوت، توسط ژوئی الکساندرا (پپلز دیسپچ) در راهپیمایی ۳۱ ژوئیهٔ طبقهٔ کارگر در دفاع از میهن (دو مورد از چندین و چند بسیج توده‌ای که از سال ۲۰۱۸ تاکنون صورت گرفته)، و توسط خود من در

یک گروه‌مایی پیش از انتخابات در ۲۷ ژوئیه گرفته شده است. در هر یک از این راهپیمایی‌ها، شعار *no volverán* – آن‌ها برنمی‌گردند – در میان جمعیت طنین انداز می‌شد. آن‌ها می‌گفتند الیگارشی بازخواهد گشت.



V

عکس از ویجی پراشاد

انقلاب بولیواری در سال ۱۹۹۹ آغاز شد، زمانی که چاوس به ریاست جمهوری رسید. موج‌های پیاپی انتخابات برای تغییر قانون اساسی و غلبه بر مقاومت الیگارشی (و همچنین واشنگتن، که بارها برای سرنگونی چاوس تلاش کرد، مانند کودتای نافرجام سال ۲۰۰۲، و برای سرنگونی مادورو، مانند توسل مداوم به تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای تغییر رژیم و تلاش برای تهاجم به خاک ونزوئلا) به راه افتاد. دولت چاوس صنعت نفت را ملی کرد، نرخ‌های رانتی را مجدداً (با استناد به «قانون هیدروکربن‌ها» مصوب سال ۲۰۰۱) مورد مذاکره قرار داد و لایه‌ای از مقامات فاسد را از سر سفره ثروت‌های ملی بلند کرد.



عکس از فرانسيسكو تریاس

خزانه‌داری ملی توانست درصد بیشتری از بهره مالکانه پرداختی شرکت‌های نفتی چندملیتی به دست آورد. شرکت ملی نفت ونزوئلا صندوق توسعه اجتماعی و اقتصادی (Fondespa) را برای تأمین مالی طرح‌هایی به نفع کارگران صنعت نفت، جوامع محلی آن‌ها، و سایر پروژه‌ها راه‌اندازی کرد. قرار بود از ثروت نفت برای صنعتی کردن کشور و توقف وابستگی ونزوئلا به فروش نفت و واردات استفاده شود. تنوع‌بخشیدن به اقتصاد بخش مهمی از دستورکار بولیواری است، از جمله احیای کشاورزی کشور، و در همین راستا، تلاش برای دستیابی به پنجمین هدف راهبردی طرح «برای میهن» به‌منظور «حفظ حیات روی کره زمین و نجات نوع بشر».

۹



عکس از فرانسیسکو تریاس

به برکت همان پول نفت بود که دولت چاوس توانست هزینه‌های رفاه اجتماعی را ۶۱ درصد (۷۷۲ میلیارد دلار) افزایش دهد، که به ارتقای زندگی مردم از طریق برنامه‌های کلان گوناگون مانند میسیونس (مأموریت‌ها) که برای این هدف تدوین شده بود، تخصیص یافت تا حقوق مندرج در قانون اساسی ۱۹۹۹ به واقعیت بپیوندد. برای مثال، در سال ۲۰۰۳، دولت سه مأموریت (به نام‌های رایینسون، ریاس و سوکره) را برای اعزام آموزگار به مناطق کم‌درآمد به منظور برگزاری دوره‌های سوادآموزی و آموزش عالی راه‌اندازی کرد. مأموریت سامورا روند اصلاحات ارضی را در پیش گرفت و مأموریت بوتلتا آل کامپو به دنبال تشویق مردم به نقل مکان از حلبی‌آبادها و بازگشت به روستاها و شهرستان‌ها بود. مأموریت مرکال غذای کم‌هزینه و باکیفیت را برای کمک به حذف نیاز به مواد غذایی وارداتی بسیار فرآوری شده فراهم کرد، در حالی که مأموریت باریو آدنترو به دنبال عرضه مراقبت‌های پزشکی کم‌هزینه و باکیفیت به طبقه کارگر و فقیر بود و مأموریت بیبیندا ساخت بیش از پنج میلیون واحد مسکونی را در دستورکار قرار داد.



عکس از فرانسیسکو تریاس

۱۱

از طریق این مأموریت‌ها، نرخ فقر در ونزوئلا از سال ۱۹۹۹ تا کنون ۳۷٫۶ درصد کاهش یافته است (کاهش فقر شدید خیره‌کننده است: از ۱۶٫۶ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۷ درصد در سال ۲۰۱۱، کاهش ۵۷٫۸ درصدی، و اگر مبنای مقایسه را سال ۲۰۰۴ قرار دهید – هنگام شروع تأثیر مأموریت‌ها – فقر شدید ۷۰ درصد کاهش یافته است. ونزوئلا، که قبل از سال ۱۹۹۹ شاهد یکی از خشن‌ترین نظم‌های اجتماعی نابرابر بود، با ۵۴ درصد کاهش ضریب جینی (کمترین ضریب در منطقه)، به یکی از جوامع با کمترین میزان نابرابری تبدیل شد که نشان‌دهنده تأثیر این سیاست‌های اجتماعی اساسی بر زندگی روزمره است.

در طول بیست سال گذشته، در سفرهای مکرر به ونزوئلا، با صدها چاوپیست از طبقه کارگر – که بسیاری از آن‌ها زنان افریقایی تبار بودند – صحبت کرده‌ام. از زمان تشدید تحریم‌ها، مردم ونزوئلا با محرومیت‌های عظیم مواجه شده‌اند و آزادانه شکایات خود را در مورد جهت‌گیری انقلاب مطرح کرده‌اند. آن‌ها مشکلات را انکار نمی‌کنند، اما برخلاف مخالفان، می‌دانند که ریشه بحران جنگ ترکیبی آمریکاست. حتی اگر افزایش نابرابری اجتماعی و فساد وجود داشته باشد، آن‌ها این معضلات را ناشی از سیاست خشن تحریم‌ها ارزیابی می‌کنند (چنان‌که حتی واشنگتن پست هم به آن اعتراف کرده).

۱۲

در طول راهپیمایی‌های گسترده برای دفاع از دولت در هفته بعد از انتخابات، مردم آشکارا دو گزینه پیش روی خود را توصیف می‌کردند: تلاش برای پیشبرد روند بولیواری از طریق دولت مادورو، یا بازگشت به فوریه ۱۹۸۹، زمانی که کارلوس آندرس پارس، دستورکار اقتصادی صندوق بین‌المللی پول معروف به *paquetazo* (بسته) را به کشور تحمیل کرد. پارس این کار را برخلاف وعده‌های انتخاباتی‌اش و علیه حزب خود (Acción Democrática) [اقدام دموکراتیک] انجام داد و شورش شهری معروف به کاراکاسو را برانگیخت که در آن حدود ۵۰۰۰ نفر توسط نیروهای دولتی در یک روز شوم کشته شدند (اگرچه تعداد کشته‌ها بسیار متفاوت برآورد شده است).

درواقع، بسیاری احساس می‌کنند که ماچادو دوران بدتری را در کشور آغاز خواهد کرد، زیرا او هیچ‌یک از ظرافت‌های سوسیال دموکراتیک

پرس را ندارد و مایل است شوک‌درمانی را به کشور تحمیل کند تا منافع طبقه‌اش تأمین شود. یک ضرب‌المثل مشهور ونزوئلایی جوهر این انتخاب را به تصویر می‌کشد: *chivo que se devuelve* (بزی که برگردد گردنش می‌شکند).

پیتر مانک، میلیاردر کانادایی که صاحب «بریک گلد» بود، زمانی نوشت چاوس یک «دیکتاتور خطرناک» است، او را با هیتلر مقایسه کرد، و خواستار سرنگونی او شد. این مربوط به سال ۲۰۰۷ بود که مانک دلخور بود زیرا چاوس می‌خواست اختیار صادرات طلای ونزوئلا را در دست گیرد. جهت‌گیری کلی دولت چاوس این بود که «بند ناف» اقتصاد را از اقتصاد جهانی جدا کند، که به معنای جلوگیری از تعیین تکلیف برای کشورهایمانند ونزوئلا توسط شرکت‌های چندملیتی و کشورهای قدرتمند شمال جهانی بود.



اندیشه «بریدن بند ناف» موضوع اصلی آخرین پرونده ماست، «چگونه آمریکای لاتین می‌تواند بند نافش را از امپریالیسم جدا سازد». این پرونده بر اساس دستورکار راهبردی ۲۰۳۰ آلبا، «اتحاد بولیواری برای خلق‌های آمریکای ما – معاهده تجارت مردمی»، چهار حوزه کلیدی را پیشنهاد می‌کند که باید به‌منظور ایجاد پایه‌ای برای راهبرد توسعه مستقل، «بند ناف» شان جدا شود: نظام مالی، تجارت، منابع راهبردی، و زیرساخت‌های لجستیکی. این دقیقاً همان چیزی است که فرآیند بولیواری در نظر دارد، و دقیقاً به همین دلیل است که دولت بولیواری به‌شدت مورد حمله امپریالیسم ایالات متحده و شرکت‌های چندملیتی مانند بریک گلد قرار گرفته است.



عکس از زوئی الکساندرا

۱۵

فردای انتخابات باران بارید. در یکی از راهپیمایی‌ها برای دفاع از روند بولیواری در آن روز، یک چاوئیست چند بیت شعر از شاعر ونزوئلایی ویکتور بالرا مورا معروف به «ال چینو» (۱۹۸۴-۱۹۳۵) را خواند که در سال ۱۹۶۱ سروده شده: *Maravilloso país en movimiento*: (کشور شگفت‌انگیز در جنب‌وجوش).

کشور شگفت‌انگیز در جنب‌وجوش
جایی که همه‌چیز یا پیش می‌رود یا پس
جایی که دیروز یا یک فشار به جلوست یا یک وداع.

کسانی که تو را نمی‌شناسند

خواهند گفت که تو نزاعی سازش ناپذیری.

بارها و بارها ریشخندت می کنند
اما همواره راست قامتی، شادمانه.

تو آزاد خواهی شد.

اگر محکومان به ساحلت نرسند
روزی خواهد رسید که تو نزد ایشان خواهی رفت.

۱۶

من به تو ایمان دارم
کشور شگفت انگیز در جنب و جوش.

با مهر،

ویجی

مترجم فارسی: عدنان علوی
تهیه و تنظیم نسخه فارسی: خانه آمریکای لاتین

یادداشت‌های مترجم:

۱. براساس افسانه‌های بومیان، حضرت مریم(س) در قرن هفدهم میلادی بر یکی از رهبران قبایل بومی به نام کوروموتو ظاهر شد و از او خواست به آیین عیسوی بگردد. کوروموتو در ابتدا امتناع کرد اما پس از آن که حضرت مریم(س) بار دیگر بر او ظاهر شد و نگاره‌ای از سیمای خود را به وی داد، کوروموتو ایمان آورد و غسل تعمید یافت.
۲. سامبو به معنی دورگه‌ای است که از یک طرف بومی قاره آمریکا و از طرف دیگر آفریقایی تبار باشد.